

کانون دگرخواهی



جامعه از افراد گوناگون تشکیل شده است. با این حال جامعه مستقل از افراد خود، دارای هویت جداگانه‌ای است که به آن هویت اجتماعی می‌گویند. بی‌تردید، افراد با پذیرش نقش‌ها و اعمال آنها، هویت اجتماعی را می‌سازند.

جامعه از افراد گوناگون تشکیل شده است. با این حال جامعه مستقل از افراد خود، دارای هویت جداگانه‌ای است که به آن هویت اجتماعی می‌گویند. بی‌تردید، افراد با پذیرش نقش‌ها و اعمال آنها، هویت اجتماعی را می‌سازند.

در این میان، اما افراد به تنهایی قادر به این مهم نیستند؛ بلکه در ارتباط با دیگران است که می‌توانند کارکردهای خود را در جهت اعتلای جامعه به ظهور بگذارند. به عبارت بهتر، اگر جامعه یک کل منسجم باشد، افراد درون آن، با تشکیل نهادها و گروه‌های مختلف، در قوام بهتر آن (جامعه) تلاش می‌کنند. خانواده، یکی از گروه‌های کهن جامعه است که از دوران باستان تاکنون تحولات زیادی را از سر گذرانده است. با این حال، خانواده مهم‌ترین و بنیانی‌ترین تجمعی است که در جامعه وجود دارد و البته تجمعی که از پیمان (ازدواج) میان مرد و زن و آنگاه فرزندان حاصل می‌آید. کل ساختار و کارکرد خانواده بر پایه تعامل اجزای این سه‌گانه (زن، مرد و فرزندان) شکل گرفته است. برای اساس، افراد خانواده، همان افراد پیش از تشکیل خانواده نیستند.

آنها در ارتباط با یکدیگر سوبه‌های عاطفی، روانی، اخلاقی و... جدیدی برای خود تعریف می‌کنند و هویت جدیدی می‌یابند. دقیقا همین هویت‌یابی جدید است که به جامعه منتقل شده و در تقویت و هویت‌یابی جامعه نیز کارساز می‌شود. امروز روز خانواده است، از این رو، مناسب دیدیم که با توجه به جایگاه خانواده در جامعه بشری و نیز چالش‌هایی که خانواده در قرن بیستم و قرن کنونی با آن روبه‌رو بوده، به جایگاه و اهمیت خانواده در اسلام بپردازیم و بررسی کنیم که اسلام چه دستور عمل و نسخه‌هایی در درمان آسیب‌های فراروی خانواده در جهان معاصر دارد. به همین خاطر با دوتن از صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه خانواده، زنان و تاریخ اسلام گفت‌وگوهای کوتاهی را انجام داده‌ایم که از پی می‌خوانید.

دکتر شهلا باقری: فلسفه تشکیل خانواده در اسلام بیرون آمدن از خودخواهی و توجه به دگرخواهی است. بی‌تردید، این دگرخواهی و بیرون آمدن از خودخواهی، به سهم خود زمینه تکامل و خداگونگی انسان را فراهم می‌سازد.

به این معنا که خانواده، زمینه آزادی انسان از هوی و هوس‌ها را فراهم می‌آورد و محلی است برای سعادت و توجه به سلامت دیگری. از همین رو است که خانواده تقدس پیدا می‌کند و جنبه احترام‌آمیز به خود می‌گیرد.

متأسفانه در جهان امروز، فرایند اجتماعی به نحوی است که نهادها و سازمان‌های دیگر، به تدریج جایگزین خانواده می‌شوند. از این رو، هر چیزی که جایگزین خانواده شود، فردگرایی را به نفع خودخواهی بشر تقویت می‌کند و این امر مذمومی است. باید تلاش کرد تا بنیان خانواده تقویت شود و کارکردهای آن را به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار نکرد. امروزه در برخی از نقاط جهان، تربیت فرزند را به سازمان‌های خاص واگذاشته‌اند. سلب نقش‌های مختلف عاطفی، جنسی، اقتصادی و روانی از خانواده و سپردن آنها به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، سبب بی‌کفایتی خانواده و در نهایت متلاشی شدن آن می‌شود. از این رو، خوب است که نگاهی به دنیا و کشور خودمان بیندازیم و ببینیم که آیا توانسته‌ایم، خانواده را با کارکردهایش تقویت کنیم؟

اگر خانواده مقدس است، به این خاطر است که بسیاری از نیازهای روحی و روانی ما را به نحو احسن تامین می‌کند و نیز به این دلیل که شخصیت افراد در خانواده قالب‌بندی می‌شود و خلاصه اینکه خانواده، کارخانه انسان‌سازی است.

خانواده از این جهت که اعضای آن می‌توانند نیازهای یکدیگر را تأمین کنند، به آسایش و آرامش برسند و نیز از این حیث که (خانواده) می‌تواند انسان دیگری را تحویل جامعه بدهد، مکان بسیار مهمی است. این مکان جایگاه سلامت افراد و جامعه است. از این رو، اگر خواهان جامعه‌ای سالم هستیم، باید خانواده سالم داشته باشیم. اسلام بر این مهم تأکید بسیاری دارد.

قوانین اسلامی، در حوزه خانواده، همه و همه بر سلامت افراد و در نهایت سالم‌سازی جامعه تأکید دارند. البته در اسلام، این تنها وظیفه اعضای خانواده نیست که در حفظ چارچوب‌های خانواده بکوشند؛ بلکه دولت و حکومت هم باید در این راستا حرکت کنند.

تربیت، رکن و کارکرد بنیادین خانواده است

دکتر مرضیه محمدزاده: تربیت عبارت است از مجموعه اعمال و رفتار و شیوه‌هایی که قوای جسمانی، روانی و عقلانی انسان را شکوفا ساخته تا آن قوا با نظام و سازمان ویژه‌ای و با استمداد از درون متربی و به مدد تلاش‌های او به میزان توانایی و استعداد خود رشد و پیشرفت کند. بنابراین تربیت صحیح علاوه بر تلقینات و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم مربی، به کوشش‌ها و تحرک متربی نیز مربوط می‌شود.

امام حسن مجتبی (ع) در مورد ضرورت تربیت روحی و معنوی انسان و تغذیه روان او می‌فرمایند: در شگفتم از کسی که درباره غذای جسمانی خود فکر و اندیشه می‌کند ولیکن درباره نیازهای روحی و جان خویش نمی‌اندیشد. در نتیجه شکم خود را از غذاهای زیان‌بخش حفظ می‌کند ولی برایش اهمیتی ندارد که افکار پلید و ناپسند در روان او وارد شده و وجودش را در معرض افکار پست و انحرافی قرار دهد.

این حدیث نشان‌دهنده این است که در تربیت باید به روح و روان حساس فرزندان توجه ویژه‌ای کرد و شخصیت آنان را از نظر روحی

و روانی حفظ کرد. باید توجه داشت که بهترین زمان برای تربیت، دوران کودکی است و عالی‌ترین فرصت برای فراگیری راه صحیح زندگی همان مقطع است؛ همچنان که امام‌علی(ع) خطاب به امام‌حسن(ع) فرمودند: قلب کودک نارس مانند زمین خالی، آماده کشت است. هر تخی که در آن کاشته شود قبول کرده و پرورش می‌دهد.

فرزند عزیزم! من از کودکی تو استفاده کرده‌ام و قبل از آنکه دل تربیت‌پذیر تو سخت شود و عقلت را مسائل دیگری به خود مشغول کند، به تربیت تو اقدام کردم.

از دیدگاه امام‌حسن(ع) عوامل تربیت عبارت هستند از: 1- خانواده 2- دوستان 3- معلمان، اندیشمندان و عقلای جامعه 4- قرآن و پیشوایان دینی 5- کانون‌های اجتماعی و دیگر عوامل اجتماعی 6- همسایگان. خانواده از مهم‌ترین عوامل نقش‌آفرین در عرصه تربیت از نظر وراثت و محیط است.

خانواده کانون مقدسی است که در پرتو پیوندی مقدس پایه‌گذاری می‌شود. پدر رکن اساسی خانواده است و به عنوان عامل محیطی و وراثتی و مادر به عنوان رکن دیگر، در رشد و شکوفایی استعداد و خلاقیت فرزند، نقش دارند و نیز سعادت و شقاوت هر فرد در گرو اعمال و رفتار و حالات مادر در دوران بارداری است. بنابراین نقش مادر بسیار حساس‌تر از پدر است.

عفت و پاکدامنی، تقوا و خویشتنداری مادران می‌تواند فرزندان را یاری دهد و آنها را هماهنگ با بلوغ جسمانی، به بلوغ اجتماعی، فرهنگی و عقلایی برساند و از خصلت‌های زشت دور کند.

امام‌حسن(ع) در مناظره‌ای با معاویه به یکی از انحراف‌های وی، یعنی نقش مادرش اشاره می‌کند که چون در دامان چنین مادرانی پرورش یافته‌ای اینگونه اعمال زشت از تو سر می‌زند و سعادت ما اهل بیت پیامبر(ص) در اثر تربیت در دامان مادران پاک و پارساست.

والدین باید در دوستیابی به فرزندان خویش کمک کنند و در ارتباط و رفت‌وآمد آنان با دوستان‌شان نظارت داشته باشند. امام‌حسن(ع) فرمود: اگرخواستی با کس رفاقت کنی و احتیاج به مونس، تو را به رفاقت واداشت، با کسی دوستی کن که رفاقت او زینت و آرایش برای شخصیت تو بوده و پاسدار خدمات تو باشد و هرگاه از او یاری طلبیدی، یاریت کند.

اگر سخنی گفتی، تصدیقت کند. اگر به او نزدیک شدی، ترا محترم شمرده و مقامت را گرامی دارد. اگر دست نیاز به سویش دراز کردی، دستت را رد نکند. اگر مشکلی داشتی و گرهی در کارت افتاد، آن را بگشاید. اگر از تو نیکی و خوبی ببیند، آن را فراموش نکند. اگر خواسته‌ای داشتی، آن را برآورده سازد. اگر گرفتاری برای تو پیش آمد، با تو همدردی کند و هنگام سختی‌ها تو را بی‌یاور نگذارد.